



فلسفه و فضای مجازی

تکنولوژی را معمولاً شبکه ای از ابزارها و ماشین ها و ابزار فنی می دانند که آدمیان به مدد علم و مهندسی آنها را به عنوان وسیله ای برای آسان کردن کارها و رسیدن به مقصودهای خود می سازند. گاهی نیز تکنولوژی به شیوه های فنی ساختن و پرداختن ابزارها و وسایل اطلاق می شود. این وصف از آن جهت که ما وسایل تکنیک را به کار می بریم درست است اما عیبش اینست که ما را به این توهم دچار می کند که این وسایل و روش ها را با اختیار یا بر اثر پیشرفت قهری ساخته و ابداع کرده ایم و با آنها هر چه خواهیم می کنیم و هر وقت بخواهیم از آنها رو می گردانیم یا از میان آنها صرفاً مفیدها را برمی گزینیم و مضرها را وا می گذاریم. از لوازم این توهم یکی هم اینست که لابد اگر تکنولوژی مضر وجود دارد آن را بدان و فاسدان به قصد سوءاستفاده ساخته اند. گویی از یاد برده ایم که بمب های اتمی و هیدروژنی و سلاح های میکروبی و شیمیایی و همه تکنولوژی-های خطرناک را بعضی از بزرگترین و بافرهنگ ترین دانشمندان اروپا و امریکا ساخته اند.

آنها تصمیم نگرفته اند که بمب و سلاح بسازند بلکه پژوهندگانی بوده اند که در مسائل علم زمان پژوهش کرده و در اجرای برنامه توسعه علم و تکنولوژی مشارکت کرده اند ظاهراً چون ما به تکنولوژی نیاز داریم و وسایل آن را به کار می بریم به آسانی گرفتار این پندار می شویم که قدرت علم و تکنولوژی از آن ماست غافل از اینکه ما از آن جهت می توانیم از وسایل تکنیک بهره ببریم که به عالم تکنیک تعلق داریم و به هر نسبت که این تعلق بیشتر باشد بهره و بهره برداریمان نیز بیشتر است. تا نیمه دوم قرن بیستم فهم و درک این قضیه که علم جدید علم تکنولوژیک است و تکنولوژی صرفاً وسیله ای نیست که ما آن را مصرف کنیم بسیار دشوار بود اما در زمان کنونی با پدید آمدن وسایل ارتباطی و تکنولوژی های اطلاعاتی آدمیان در وضعی قرار گرفته اند که گاهی برنامه زندگی و فکر و عمل هرروزیشان را نیز فضای مجازی معین می کند. آنها به این عالم عادت کرده اند. در چنین شرایطی طبیعی است که وقتی در خود نظر می کنند قدرت فضای مجازی را در آینه وجود خود ببینند و خود را همه توان و منشأ این

قدرت بیابند. مع ذلک در سی چهل سال اخیر نه فقط همبستگی و یگانگی میان علم و تکنولوژی کم و بیش نمایان شده است، بر وسیله انگلیشتن تکنولوژی هم کمتر اصرار می شود و چگونه می توان فضای مجازی را - که تا چندین سال پیش از آن خبر نداشته ایم و هرگز تقاضای وجودش نکرده بودیم - وسیله انگلیشت. این فضا که با مجموعه ای از کدها و رموزها سامان یافته است ما را در خود فرو می برد و چشم ها و گوش ها ناگزیر باید از طریق آنها چیزها را ببینند و فراگیرند. البته همه می توانند نظر خود را هر چه باشند در فضای مجازی اعلام کنند و حتی اصحاب معرفت ممکن است از طریق آن به تبلیغ و ترویج معارف دینی و تعلیم عرفان و فلسفه بپردازند. اما هر چه در این فضا وارد شود به رنگ آن در می آید. در فضای مجازی چشم ها و گوش ها مثل همه چیز دیگر به هم خیلی نزدیک و شبیه می شوند و بیشتر حرف ها و چیزهای مشابه را می بینند و می شنوند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد اینست که با پدید آمدن ابزار ارتباطی، عالم انسانی و وجود آدمیان هم دگرگون می شود وجود آدمی در عوالم تاریخی امر ثابتی نیست. فضای مجازی را هم قائم به وسایل ارتباطات و اطلاعات نباید دانست بلکه این وسایل با فضای مجازی به وجود می آیند و در فضای مجازی به کار می روند. اکنون در همه جا مردمان هم مهبای زندگی در فضای مجازی شده اند و با قواعد و قوانین آن زندگی می کنند. این معنی دار است که کشورهای در حال توسعه در ابتدا از کامپیوترها به عنوان ماشین حساب استفاده می کردند اما به محض اینکه با امکان های دیگری آشنا شدند، از اقتضاهای آن پیروی کردند. از جمله اوصاف اصلی فضای مجازی اینست که استبداد خود را آشکار نمی سازد و راه ورود بر هیچ چیز را نمی بندد و با هیچ چیز مخالفت نمی کند و میان چیزها تفاوت نمی گذارد. هنر و دین و سیاست و علم همه می توانند در این عالم وارد شوند و کم و بیش وارد شده اند اما آنها هر چه باشند با ورود در این عالم جزئی از جهان مجازی و وهمی می شوند. حتی چنانکه گفته شد درس دین و عرفان و فلسفه را هم می توان در این فضا آموخت اما باید تحقیق کرد که فلسفه مثلاً در این فضا چه وضع و صورتی پیدا می کند و مخاطبش کیست و چه می تواند بکند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید پرسید که فضای مجازی چیست. از جمله صاحب نظران معاصر که در این پرسش تأمل کرده اند، بودریار فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی است. به نظر او زمانی بود که علم، علم جهان فی نفسه بود و در دوره مدرن علم به گزارش واقعیت مبدل شد اما در زمان ما که همان زمان فضای مجازی است هر چه هست گزارش ها و رموزها و کدها است. این کدها و رموزها هیچ مرجعی ندارند و با میزانی سنجیده نمی شوند یعنی اگر در گذشته امور خیالی و وهمی مرجعی در مراتب وجود داشتند در فضای مجازی خیال و وهم اموری در برابر حقیقت و وجود نیستند و به چیزی که موجود باشد باز نمی گردند بلکه عدمند. فضای مجازی سراسر روی زمین را به جهان خیال ها و اوهام بدون مرجع و بی پشتوانه مبدل کرده است. بودریار گفته است که اکنون به جای اینکه مثل لایب نیتس بپرسیم موجودات چرا هستند و عدم نیستند باید بپرسیم چرا هیچ چیز نیست و همه چیز سراسر عدم است و عجیب اینکه او این عدم را واقعیت و موجودیت شدید می دانست. این صورتی از فلسفه جهان مجازی است و پیداست که چنین رأی و نظری جز در فضای مجازی نمی توانست به وجود آید. به نظر بودریار اگر عالم مجازی در نظر ما طبیعی و عادی می نماید از آن روست که پیوسته و با انواع حیل ها رو نهان می کند. این فیلسوف با اقتباس تمثیلی از بورخس گفته است فضای مجازی نقشه کاملی از جهان است که سراسر روی زمین را پوشانده است و آدمی دیگر با زمین خود کاری ندارد و روی نقشه زندگی می کند به این جهت کسی نمی داند که زیر پایش چیست. در و دیوار هم سعی می کنند که بگویند این نقشه نیست، سرزمین است. بودریار دیزنی لند را هم شاهد می آورد. دیزنی لند فضایی است که ما را به عوالم خیالی و به رؤیاهای می برد. گویی می خواهد به ما بگوید که فضای بیرون از دیزنی لند فضای حقیقی است. (بودریار می توانست نتیجه بگیرد که فضای دیزنی لند حقیقی تر از فضای مجازی است زیرا در قیاس با فضای بیرون ساخته شده است) شاید او حق داشت که می گفت در فضای مجازی مرجعی وجود ندارد و این کدها و رموزها هستند که وجود استقلالی دارند اما آیا او خود در این فضا و با مقتضیات این فضا نیندیشیده و به کلی از آن آزاد و مستقل بوده است. آیا قول خود او درباره وجود و عدم مرجع ندارد به نظر می رسد که مرجع آراء او فضای مجازی است. اگر فضای مجازی نبود نه فقط بودریار بلکه سوفسطایی ترین سوفسطاییان نمی توانست پرسش از عدم را به جای پرسش از وجود بگذارد. فلسفه در فضای مجازی به هر سرنوشتی دچار شود می توان همچنان امیدوار بود که روزنه های تفکر حتی با غلبه فضای مجازی بسته نشود.